



جاودانگی راه امام

رمز بقاء انقلاب (۲)

قسمت دوازدهم

حجة الاسلام والمسلمین اسدالله یان

حضرت امام سلام الله علیه این طور این مطلب را بیان می فرمایند:

الف. بی تردید رمز بقاء انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می داند و نسلهای آینده در تاریخ خواهند خواند که دورکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی^۱ و اجتماع ملت^۲ در سراسر کشور با وحدت کلمه برای هدان انگیزه و مقصد.

اینجانب به همه نسلهای حاضر و آینده وصیت می کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمار گران خارج و داخل از کشورتان قطع شود این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقاء آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است. بی جهت نیست که بوفهای تبلیغاتی در سراسر جهان و ولیده های بومی آنان نام خود را صرف شاخه ها و دروغهای تفرقه افکن نموده اند و میلیاردها دلار برای آن صرف می کنند.

سپس حضرت امام سلام الله علیه برای اینکه اهمیت وحدت امت اسلام را بخوبی نشان بدهند و خطرات تفرق و اختلاف را گوشزد نمایند و بوضوح معلوم کنند دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی، بالخصوص شیطان بزرگ آمریکای جهانخوار و ایادی مزدور وی در منطقه برای اینکه این انقلاب اسلامی را به زانو درآورند و موجبات سقوط این نظام الهی را فراهم سازند و الی الابد خطر اسلام عزیز را از سر راه منافعشان برطرف نمایند از شیوه اختلاف بیانداز حکومت کن بهره برداری کرده و میلیاردها دلار و غیره مصرف می نمایند تا بتوانند این وحدت و یکپارچگی را که در سایه حاکمیت الهی در میان امت ما بوجود آمده است از بین برده و آنان را از دور هم کنار بزنند و متفرق نمایند این سفرهای مشکوک و مکرری که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه صورت می گیرد و هر روز یکی از سردمداران کفر و الحاد و استکبار در خاورمیانه حضور و بروز پیدا کرده و همیشه در حال رفت و آمد است برای همین است که از ایادی بی شعور و تسلیم خودشان از سران سیاسی و روحانی وابسته که به تمام معنی در مقابل خواست مستکبران تسلیم و خاضع هستند استفاده کرده و با القاء یک سری حرفها و شبهات و ایجاد تبسم و ترس در دل آنان نگذارند مثل اسلامی بصورت یکپارچه در مقابل غارتگریهای جهان خواران برآیند و چپاولگری

آنان را به خطر بیاندازند و مثل همیشه به تاراج ذخایر ملت های مظلوم عالم مشغول باشند شما می توانید در این باره به مطبوعات ایران اسلامی و رسانه های گروهی دنیا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بویژه در سالهای ۶۲ تا ۶۶ مراجعه نمایید تا معلوم شود چگونه از امثال ملک حسین و فهد و در حال رفت و آمد هستند و چگونه از امثال ملک حسین و فهد و حسنی مبارک و غناظ السلاطین و آخوندهای مزدور و وابسته استفاده کرده و بر علیه اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم و جمهوری اسلامی ایران از آنان اظهار نظر و موضع گیری مخالف می گیرند و سیمای نورانی و ملکوتی اسلام خالص و ناب را که در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نمود پیدا کرده است تاریک و ظلمانی و وحشت ناک نشان می دهند و ملل محروم عالم را که تنها ره رهایی و نجاتشان در گرایش به اسلام و قرآن و حکومت الهی است از عاقبت و نهایت آن دلسرد و مأیوس نموده و در واقع می ترسانند و این یکی از شیوه های مقابله با انقلاب اسلامی و شگردهای آنان است و اگر امت اسلام با هوشیاری و بیداری خودشان در مقابل این نوع حرکتها و مذبذگریها ایستادگی نکنند و با افشاگریهای اصولی و انقلابی چهره زشت و کریه آنان را به جهانبان نشاناسانند و معرفی نکنند مسلماً دشمن از دشمنی و توطئه خودش دست برنداشته و بصورت دائم برای اسلام و انقلاب اسلامی سد و مانع ایجاد خواهند کرد. امام انقلاب اسلامی در این مقوله چنین به مطالبشان ادامه می دهند:

بی انگیزه نیست سفرهای دائمی مخالفان جمهوری اسلامی به منطقه و مع الأسف در بین آنان از سردمداران و حکومت های بعضی کشورهای اسلامی که جز به منافع شخصی خود فکری نمی کنند و چشم و گوش بسته تسلیم آمریکا هستند دیده می شود و بعضی از روحانی نماها نیز به آنان ملحقند. امروز و در آینه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند، خشی کردن تبلیغات تفرقه افکن خانه برانداز است توصیه اینجانب به مسلمین و خصوصاً ایرانیان بویژه در عصر حاضر آن است که در مضامین این توطئه ها عکس العمل نشان داده و به انسجام و وحدت خود به هراه ممکن افزایش دهند و کفار و منافقان را مأیوس نمایند.

آری این یک سنت است و در نظامی که سنت و قانون در آن حاکم

است و حوادث و پدیده‌ها روی علل و عوامل پیوسته تحقق می‌یابند وحدت و یکپارچگی یک ملت اگر منشاء و عامل مجدد و عظمت آنها باشد بالطبع جدائی و تفرق آنان موجب ذلت و سقوط حتمی ایشان خواهد شد.

نوطه‌ها

یکی از اساسی‌ترین موضوعات و مسائلی که در ارتباط با انقلاب اسلامی باید مورد توجه همگان قرار گیرد و لحظه‌ای از آن هیچکس نباید غفلت نماید، بویژه مسئولان نظام انقلابی پیش از دیدگران در آن باره باید از خودشان وقت نشان داده و با هشیاری خودشان نگذارند انقلاب و دستاوردهای آن مورد هجوم اجانب و متجاوزان اجنبی صفت قرار گیرد. مسئله نوطه‌ها و شوگردهای موزیانه‌ای است که از ناحیه مخالفان انقلاب اسلامی بکار گرفته شده و برای نابودی انقلاب اسلامی و هراقتل‌های اعمال می‌گردند تجربه‌های طولانی تاریخی که در ارتباط با نهضت و حرکت‌های انقلابی در سراسر عالم داریم بوضوح نشان می‌دهد که در هیچ جای عالم انقلابی صورت نگرفته است که مورد بی‌مهری و عناد و دشمنی مخالفان و دشمنان انقلاب قرار نگرفته باشد زیرا که طبیعت هر انقلاب همین است که عده‌ای که از هر طرفی منافع زیادی بدست می‌آورند و عده زیادی را در مسیر مناقشات بکار گرفته بودند و دست رنج آنان را بطور رایگان بغارت می‌یورند و با حرکت انقلابی محرومان و رنج‌دیدگان و مظلومان سودجویی و زوراندوزی آنان به خطر افتاده است و آن حرکت را در تضاد با منافع خود می‌دانند بطور جدی احساس نگرانی و ناراحتی نموده و یا آنان به مقابله و ستیز برخیزند و در مقابل انقلاب موانع بوجود آورند و برای از بین بردن انقلاب و انقلابیون نوطه نمایند و از هر فرصتی برای خشکاندن ریشه‌های انقلاب استفاده کنند. ستیز انقلاب با افراد ضد انقلاب و رفاه‌طلب و آسایش‌جویی است تاریخی و انقلابی است اگر روزی میان افراد ضد انقلاب و حرکت انقلابی و قانون انقلاب سازش و آشتی مشاهده گردد یا باید در سلامت انقلاب و حفظ اصول انقلاب شک و تردید کرد و قهراً دلسوزان انقلاب باید به خود برگردند و در شیوه‌های رفتاری و موضع‌گیری‌هایشان تجدید نظر نمایند و دوباره اصول و محورهای انقلاب را بطور دقیق و دست نخورده مورد توجه قرار داده و آنها را به مرحله اجرا در آورند و یا باید باور کرد که افراد غیر انقلابی و دشمنان انقلاب تغییر ماهیت داده و بفرض محال هویت و ماهیت انقلابی پیدا کرده و انقلابی شده‌اند هر روی این احتمال قابل دفاع و توجیه نمی‌باشد و فاقد اعتبار تحلیلی و منطقی می‌باشد حضرت امام سلام الله علیه در این باره نیز مانند همه موارد دیگر به تفصیل وارد بحث و بررسی شده و مورد به مورد نوطه‌هایی را که در طول تاریخ در مقابل حرکت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی از طرف دشمنان قسم خورده بکار گرفته شده است و الآن هم ادامه دارد بدون تردید طبق سنت همیشگی ادامه خواهد داشت مشخص فرموده و هشدارهای لازم را داده است و ریشه‌های علمی و اجتماعی و اعتقادی این نوطه‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و راه بر خورده با آنها را برای علاقمندان به انقلاب

اسلامی در سراسر عالم یاد داده است و از همه کسانی که دلشان برای آزادی بشریت می‌طپد و از رنج‌ها و دردها که دامنگیر اکثریت انسانهای مظلوم و محروم جهان شده است ناراحت هستند و در فکر آزادی و نجات آنان می‌باشند خواسته است مواظب این نوع نوطه‌ها باشند و برای خنثی کردن آنها از هر نوع امکانات و فرصتها بهره‌جویند و اولین نوطه‌ای که حضرت امام سلام الله علیه روی آن تکیه فرموده‌اند و این نوطه را مهم تلقی کرده‌اند و زوایای مختلف آن را بصورت مستوفی شکافته‌اند این است مذتهاست دشمنان اسلام و در رأس آنان غریبان غارتگر که در طول تاریخ از اسلام ضربات کاری و مؤثرتری دریافت کرده‌اند و خودشان را در مقابل فرهنگ و منطق قوی و نیرومند آن عاجز و ناتوان می‌بینند دست به یک شیطنت و نوطه بزرگی زده‌اند و در این اواخر مخصوصاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دامنه آن گسترش زیادتری داده‌اند و گاهی هم بموضوع رنگ تحلیل و منطق و فلسفه داده و بگمان باطل خودشان بصورت علمی و فلسفی توانسته‌اند اسلام و ارزشهای اسلامی را از صحنه زندگی برداشته و الی‌الابد به حیات اجتماعی اسلام و دیگر ادیان آسمانی پایان بخشند مخصوصاً پس از پیدایش فلسفه شدن که همه چیز را در حال شدن و تحول می‌بیند و هیچ چیزی را در دو لحظه در حال یکسان بودن نمی‌بیند و همه اشیاء در حال دگرگونی و تغییرات و تحول است و تحول قانون عام و شامل بوده و همه اشیاء را در بر گرفته و چیزی از زیر پوشش آن خارج و مستثنی نمی‌باشد و از جمله ادیان آسمانی و دین اسلام که از عمر آن حدود چهارده قرن می‌گذرد و با گذشت زمان و این مدت طولانی بدون تردید حوادث و مسائل جدیدی ظهور و بروز کرده و مقررات و دستورالعمل‌های مناسب و هماهنگ با جریان‌های جدید را می‌طلبند. بنابراین چگونه می‌توان با توجه به تحولاتی بوجود آمده و نیازهای جدیدی که در بستر زمان پیدا شده است و همه آنها را دستخوش تغییرات و دگرگونیها قرار داده است از احکام و مقررات چهارده قرن گذشته بهره‌گیری کرد و راه حل جست، مگر اینکه از همه نواوریهای رشد و تکامل و تمدن جدید صرف نظر کرده و بخواهیم زندگی بشریت را به وضعیت زندگی آن دوره برگردانیم. و دست آوردهای علوم و تکامل‌های بشری را زیر پا بگذاریم و بجای استفاده از علوم و دانشهای بشری که روزه‌های زیادی را به روی افراد بشری گشوده است از امکانات ابتدائی که بشر از آن بهره‌برداری می‌کرد سود ببریم و این همه مسافتها را دوباره با الاغ و شتر بییمانیم و آیا این همان برگشت به دوران ماقبل تمدن نیست؟ و آیا این همان نادیده گرفتن فلسفه شدن و تحول قانون حرکت و تحول نیست؟ و آیا ارتجاعی بودن و برگشت به فقهی غیر از این است؟ بعضی از معاندان و نگرانان اسلام و حکومت اسلامی برای اینکه مردم را دلسرد نمایند و نگذارند اسلام به صحنه زندگی برگردد و ملتها و دولتها در فکر حاکمیت اسلامی نیافتند و بالاخره بخورد مردم بدهند اسلام نمی‌تواند مدیریت امروز جوامع را بعهده گیرد، زیرا که اسلام و احکام و مقررات آن یک سری چیزهایی است که دارای جهات معنوی و روحی بوده در صورتی

که در صحنه زندگی سیاسی، اجتماعی مطرح گردد قداست و اصالت آن از بین رفته و با آن مقصد و مقصود اصلی که سیر الهی است و بی اعتنائی به دنیا و حطام دنیا است و وارستگی بشر از آلوده شدن به زندگی مادی دنیائی است کاملاً متضاد است. بنابراین اسلام نمی تواند امروز به عنوان یک مکتب زندگی و حیات اجتماعی مطرح شود و اسلام عاجز و ناتوان است از اینکه با مشکلات و تنگناهای موجود برخورد نموده و آنها را برطرف سازد یا از این حیث که اسلام مربوط به دورانهای گذشته است. و برای هزار و چهارصد سال قبل می باشد و همه چیزها در حال دگرگونی و شدن است از جمله اسلام و مقررات آن در حال شدن و تحوّل و دگرگونی است، جامعه نو و جدید مقررات و دستور العملهای جدید و نومی خواهد و با اینکه اسلام مجموعه ای از احکام و مقرراتی است که مقصد اعلای آن توجّه دادن مردم به مسائل درونی و معنوی است و از دخالت به مسائل دنیایی و سیاسی و حکومتی به دور است، اگر اسلام و مسلمانان در امور سیاسی اجتماعی دخالت نمایند و عالمان اسلامی در امر حکومت وارد شوند و برای زندگی مردم از اسلام و مقررات استفاده نمایند اسلام معنویت و قداست خودش را از دست داده و وارونه خواهد شد. هر دوی این متعلق در این صدد است که بگویند اسلام به درد اداره زندگی جامعه بشری نمی خورد و دوران آن سپری شده است و امروز با توجّه به تحولاتی بوجود آمده از شوق جدید و مقررات نو باید استفاده شود در صورتی که اگر کسی با القای اسلام و احکام اسلامی آشنائی داشته باشد و مجموعه احکام و مقررات آن را که دارای جهات مختلف سیاسی اجتماعی و عبادی و معنوی هم هست، مد نظر قرار دهد خواهد دید همانطور که در اسلام ذکر و دعا وجود دارد جهاد و قتال هم وجود دارد، اگر در اسلام شب زنده داری و گریه از خوف خدا و اشک شوق لقاء حضرت دوست وجود دارد تعاون و کمک به مستمندان و دست گیری از فقراء و ایشار و مقدم داشتن دیگران بر خود هم وجود دارد. اسلام دینی است که در آن میان دنیا و آخرت فاصله ای نیست بلکه دنیا ضراط و بیل و مزرعه برای آخرت و آخرت محصول و نتیجه اعمال دنیائی معرفی شده است.

در فرهنگ اسلام واقعاً خدمت به مردم عبادت و معنویت تلقی شده است، آثانی که فکر می کنند اسلام مجموعه ای از اذکار و اوراد و ادعیه ای است که هدف و مقصد اعلای آن توجّه دادن مردم به خدا و جدایی آنان از دنیا و دخالت در امور مردم و جامعه است و هیچگونه دخالت در امور دنیایی را اجازه نمی دهد سخت در خطا و اشتباهند اگر مروری به آیات قرآنی داشتند و زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام او را مورد مطالعه قرار میدادند و مقصد اعلای بعثت انبیاء الهی علیهم السلام را که تحقق بخشیدن به حاکمیت الهی و اسلام است مورد توجّه قرار می دادند اینگونه قضاوت نمی کردند و این نوع سخن گراف و باطل و بیهوده نمی زدند و راجع به ادیان آسمانی بویژه اسلام چنین حرف بی اساسی به زبان نمی آوردند و اگر از روی انصاف حرکت می کردند

می دانستند دین اسلام در عین اینکه به مسائل درونی و معنوی توجّه کافی و کامل مبذول داشته است از مسائل ظاهری و دنیایی و اجتماعی و سیاسی نیز نه تنها غفلت نکرده است بلکه اهمیت اینها را بالاتر و بیشتر دانسته است و نیل به مسائل معنوی را بدون تحقق حکومت اسلامی و حاکمیت احکام خدا غیر ممکن دانسته است و هدف نهائی بعثت انبیاء الهی را اقامه قسط و عدالت اجتماعی معرفی فرموده است.

بنابراین اسلام، دین انسانساز و دین توجّه به همه نیازهای بشری است و عهده دار حلّ تمامی مشکلات او در تمام زمینه ها است. پس این توجّه و تحلیل انصافاً فاقد اعتبار علمی و منطقی است و روی آن حساب خاصی نمی توان باز کرد.

و اما اینکه اسلام و احکام آن مشمول قانون تحوّل و تغییرات و درستر زمان و تغییر دگرگون و متحوّل می گردد و مربوط به دوران گذشته و چهارده قرن قبل است چگونه می تواند به مشکلات روز و جدید پاسخگو بوده و نیازهای نوظهور و جدید را مورد توجّه قرار بدهد، بالخصوص با توجّه به اینکه دنیا در حال شدن و نوشدن است. و فلسفه شدن جای فلسفه بودن را گرفته است.

جوابش این است، دین اسلام طوری استخوان بندی شده است که در آن به تمام زوایا و نیازها توجّه به عمل آمده است و راه حلّهای مناسب و هماهنگ ارائه شده است. هم به نیازهای مقطعی و موردی توجّه شده است و هم به نیازهای دائمی و همیشگی آن همانطور که به خصوصیات افراد توجّه به عمل آمده است به نیازهای نوعی و عام آن که از نوعیت و جهات مشترک انسان نشأت میگیرد و بصورت یکسان در تمام عصرها و زمانها خود نمائی می نماید و خودش را نشان می دهد نیز کمال توجّه به عمل آمده است و به همین جهت در اسلام دو نوع احکام و مقررات وجود دارد. احکام و مقررات ثابت و جاودانه و احکام و مقررات متغیر و غیر ثابت. اسلام در متن خودش به هر دوی این نوع احکام و مقررات توجّه داشته است زیرا که دو نوع نیاز و مشکلات برای انسان مطرح است، برای حلّ نیازهای ثابت و همیشگی احکام و مقررات ثابت در نظر گرفته است و برای برطرف کردن نیازهای مقطعی و غیر ثابت، احکام و مقررات متغیر و مقطعی در نظر گرفته است و چون اجرای احکام اسلامی در حوزه اختیارات و ولایت امر مسلمین و امامت است اسلام که دارای علم و فقه است و عدالت و قدرت و تدبیر و کفایت است و همه نیازهای جامعه را در نظر دارد و تطبیق راه حلّها با نیازها در اختیار او است می تواند برای حلّ نیازهای مقطعی و موردی دستور العملهایی را صادر و در چهارچوب احکام و مقررات ثابت اسلامی راه حلّهای مناسبی را ارائه نماید و مشکلات جامعه را برطرف سازد و اسلام این اختیارات را به ولایت امر مسلمین داده است و هر اختیاراتی را که او در چهارچوب احکام و مقررات لایتنفیر اسلامی اعمال نماید همان نیز احکام و مقررات اسلامی به حساب آمده و تبعیت از آنها لازم و واجب می باشد احکام و مقررات

اسلامی، مانند خود عالم وجود نظام مطلق هستی است، همچنانکه در نظام عالم هستی هم موجود متغیر و متحول وجود دارد و مشمول قانون حرکت بوده و همیشه در حال حرکت و شدن است و عالم ماده چنین است و حرکت در جوهر عالم ماده است و عالم طبیعت و ماده عین حدوث و تجدد است اقا همه عالم ماده نمی باشد بلکه عالم عقول هم وجود دارد و در آن عالم بقا و ثبات حکمفرما است و آن وجهه ربوبی و باقی این عالم است کما اینکه قرآن کریم می فرماید:

«كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَهُ».

هر شی در عالم هالک است و فانی شدنی مگر آنکه در آن وجه الله باشد. وجه الله غیرهالک و غیرفانی است، از این آیه کریمه به روشنی بدست می آید هر موجودی اگر دارای وجهه ربوبی و الهی باشد او باقی و جاودانه است و هلاکت و فنا در آن راهی ندارد. اسلام و مقررات اسلامی نیز چنین است هم احکام ثابت و لایتغیر دارد و هم غیرثابت و متغیر. قانون حرکت اگر چه قانون درست و عاضی است ولی در تمام دایره وجود و هستی جریان و شمول ندارد. دامنه آن در عالم طبیعت و ماده است و آنجا که فوق طبیعت و عالم ماده است از اول فوق حرکت و تحول می باشد و گذشت زمان و مکان آنها را دگرگون نمی سازد، کما اینکه قوانین ریاضی مشمول قانون حرکت و تحول نمی باشد و مرور زمان آنها را عوض نمی سازد و کما اینکه قوانین هندسی و منطقی قوانین ثابت و لایتغیر است و اگر کسی بگوید حاصل ضرب $2 \times 2 = 4$ در گذشته چیزی بوده است که با مرور زمان عوض شده است مثلاً امروز حاصل ضرب $2 \times 2 = 3$ یا 5 می باشد و یا هر منطقی مساوی با دو تا زاویه قائمه است و یا اینکه ادراک انسان یا تصویری است و یا تصدیقی و ادراکات تصویری یا احتیاج به فکر و تأمل ندارد و یا احتیاج به فکر و تأمل دارد و همچنین ادراکات تصدیقی دارای این دو نوع تقسیم است. یا بدیهی است و یا غیربدیهی و نظری و امثال اینها. از امور و مسائل ریاضی و هندسی و منطقی که بدون شک و تردید قانون حرکت و تفسیر آنها را شامل نبوده و در بستر زمان و تاریخ و بطور جاودانه مانند گار و باقی است، احکام و مقررات اسلام نیز چنین است. در عین اینکه احکام و مقررات ثابت و لایتغیری دارد و با مرور زمان عوض و بدل نمی شود در عین حال به مسائل جدید و نیازهای نو نیز توجه به عمل آورده و راه حل های مناسبی را در آن باره ارائه کرده است و مذهبی است هر چه زمان بگذرد و شرایط جدیدی در دنیا مطرح گردد و نیازهای تازه ای را برای انسان بوجود آورد اسلام عهده دار بر خورده با آنها بوده و توان حل همه آنها را دارد. حضرت امام علیه السلام چنین می فرماید:

بعد از توطئه های مهشی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه های معاصر و بویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می خورد، تبلیغات دامنه دار با ابعاد مختلف برای مایوس نمودن ملت ها و خصوصاً ملت فداکار ایران از اسلام است، گاهی ناشایسته و با صراحت به اینکه احکام اسلام که هزار و چهارصد سال قبل وضع شده است نمی تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند یا آنکه اسلام یک دین

ازجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است و در عصر حاضر نمی شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند و امثال این تبلیغات البهانه و گاهی مودبانه و سیظنت آمیز به گونه طرفداری از قداست اسلام که اسلام و دیگر ادیان الهی سرورکار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی و دعوت به ترک دنیا و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه که انسان را به خدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می کند و حکومت و سیاست و سررشته داری بر خلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است چه اینها تمام برای تعمیر دنیا است و آن مخالف مسلک انبیاء عظام است و مع الأسف تبلیغ به وجه دوم در بعض از روحانیان و متدینان بی خبر از اسلام تأثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را به مثابه یک گناه و فسق می دانستند و شاید بعضی بدانند و این فاجعه بزرگی است که اسلام مبتلای به آن بود.

حضرت امام رضوان الله علیه پس از آنکه اصل توطئه را تبیین فرمودند و نحوه برخورد دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی را در قالب هایی که ریخته اند در اختیار گذاشتند و حتی مؤثر واقع شدن بعضی از آن بیانات را در بعضی از روحانیان و متدینان سطحی و ظاهربین گوشزد کردند، به پاسخ و تحلیل خطا و نادرست بودن بیان آنان پرداختند و بطور جامع و دقیق اساس توطئه و شیطننت را متزلزل و ویران ساختند و فرمودند:

گروه اول که باید گفت از حکومت و قانون و سیاست با اطلاع ندارند با غرضمندانه خود را به بی اطلاعی می زنند زیرا اجراء قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از سنگران و حکومت جائزانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشاء و انواع کج رویها و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خود کنائی و جلوگیری از استعمار و استثمار و حدود و فضاصل و تعزیرات بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی یک جامعه و سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف و صدا از این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود. این دعوی به مثابه آن است که گفته شود قواعد عقلی و ریاضی در قرن حاضر باید عوض شوند و به جای آن قواعد دیگر نشانده شود. اگر در صدر خلفت، عدالت اجتماعی باید جاری شود و از سنگری و چپاول و قتل باید جلوگیری شود، امروز چون قرن اتم است آن روش کهنه شده و ادعای آنکه اسلام با نوآوردها مخالف است همانسان که محند رضا بهلوی مخلوع می گفت که اینان می خواهند با چارپایان در این عصر سفر کنند، یک اتهام البهانه بیش نیست. زیرا اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوردها، اختراعات و ایشکارات و صنعت های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچ گاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت، مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است و اگر مراد از تجدد و تمدن به آن معنی است که بعض روشنفکران حرفه ای می گویند که آزادی در تمام منکرات و فحشا حتی همجنس بازی و از این قبیل، تمام ادیان آسمانی و دانشمندان و عقلا با آن مخالفند گرچه غرب و شرق زدگان به تقلید کورکورانه آن را ترویج می کنند. و اقا طایفه دوم که نقشه مودبانه دارند و



معنای انکار نیازی به وحی و در جهت پوشش اسلامی دادن به منطق دیالکتیک در ارتباط با مبانی رهبری است، زیرا اگر رهبری به این معنا در متن وجود انسان بود، مانند سایر پدیده‌ها که رهبری و پیام تکامل در متن آنها است، انسان نیز نیازی به وحی و رهبری آسمانی و پیام برونی نداشت، و بدین است اینکه انسانها می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند دلیل وجود اینکه همه راه تکامل خود را می‌دانند و می‌توانند خود را رهبری کنند نیست.^{۱۳}

در زمینه نظریه تعمیم امامت و نظر کسانی که نیازی به امامت و رهبری را نمی‌کنند، این جملات امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه جالب نوشته است.

«مفزعهم فی المعضلات الی انفسهم، وتعویلمهم فی المهمات علی آرائهم کأن کل امری ینهم امام نفسه.»^{۱۴}

پناهگاه آنها در مشکلات خودشان هستند و تکیه گاهشان در امور مهم آراء و نظریه‌های خویش است، گویا هر یک از آنان امام خود هستند!

ادامه دارد

- ۱- توضیح این مطلب در بحث شرایط امامت خواهد آمد.
- ۲- سوره بقره آیه ۱۲۴.
- ۳- اسود کافی جلد ۱ ص ۱۷۵.
- ۴- لغتنامه دهخدا واژه «امامت».
- ۵- شرح نهج البلاغه ابن ابی العبدین ج ۲ ص ۳۰۸.
- ۶- امامت و رهبری نوشته استاد شهید مطهری صفحه ۲۳.

غیبه از رهبر نظام انقلاب

اسلام را از حکومت و سیاست جدا می‌دانند باید به این نادانان گفت که قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله آنقدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند بلکه بسیار از احکام عبادی اسلام، عبادی سیاسی است که غفلت از آنها این مصیبتها را به بار آورده. پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومتهای جهان لیکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی و خلفای اول اسلامی حکومتهای وسیع داشته‌اند و حکومت علی بن ابیطالب علیه السلام نیز با همان انگیزه بطور وسیع تر و گسترده‌تر

۷- نوشته ابوالحسن بنی صدر،
۸- در جزوه (از کجا آغاز کنیم- نوشته دکتر علی شریعتی) صفحات آخر بحث مفصلی تحت عنوان مسئولیت و رسالت روشنفکر طرح کرده است و در صفحه ۳۹ می‌گوید: «مسئولیت و رسالت روشنفکر به طور خلاصه انتقال ناهنجاریهای درون جامعه به احساس و خودآگاهی مردم آن جامعه است، دیگر جامعه خود حرکتش را انجام خواهد داد» البته در چند سطر بعد جمله‌هایی دارد که ضد این مطلب است، نیاز جامعه را به هدایت و راهنمایی تأیید می‌کند (از امامت و رهبری صفحه ۲۴ نوشته استاد شهید مرتضی مطهری).

- ۹- تعمیم امامت صفحه ۳۷.
- ۱۰- تعمیم امامت صفحه ۳۸.
- ۱۱- مقصود از امام مبنی که همه چیز در آن منعکس و احصاء شده است همانطور که در تقاسیر آمده، کتابی است مشتمل بر فضاء محتمل، و شاید راز اینکه آن کتاب «امام» نامیده شده این است که تقریباً از مقدرات و فواید آن کتاب که در قرآن کریم با نامهای «لوح محفوظ» یا «ام الكتاب» و یا «کتاب مبین» نامیده شده پیروی می‌کنند. ولی حقیقت این کتاب چیست؟ برای ما معلوم نیست. در تفسیر المیزان پس از نقل روایاتی که دلالت می‌کنند که مقصود از امام مبنی، امیرالمؤمنین علی علیه السلام است آمده: در این دو حدیث اگر صحیح هم باشند بهیچ وجه آیه شریفه را تفسیر نمی‌کنند بلکه مضمون آنها از باطن قرآن و اشارات آن است، و همانند نذر که خداوند به بنده‌ای موجد و مجتلس در عبودیت علم به آنچه را در «کتاب مبین» استم عنایت فرماید، و اوبزرگ اهل توحید پس از پیامبر اسلام است. (المیزان جلد ۱۷ صفحه ۷۴)
- ۱۲- الذی انقلی کل شیء و خلقه لم هدی. سوره طه آیه ۵۰.
- ۱۳- برای آشنائی با تفصیل این مطلب مراجعه شود به کتاب فلسفه وحی نوشته اینجانب.
- ۱۴- نهج البلاغه صحیح صالح خطبه ۸۸.

از واضحات تاریخ است و بی از آن بتدریج حکومت به اسم اسلام بوده و اکنون نیز مدعیان حکومت اسلامی به پیروی از اسلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله بسیارند.

ادامه دارد

- ۱ و ۲- اشاره است به آیات کریمه «وفاصلهم حتی لا تكون فتنه ویکون الدین لله» (سوره بقره آیه ۱۹۳). با ظالمان و سارقان طریق بشریت پیکار و مبارزه کنید تا ریشه‌های جهل و ستم و زر و زور و تزویر بخشگد و فتنه‌ای روی زمین نماند و زمینه حکومت دین و اسلام فراهم گردد.
- «وان الدین عند الله الاسلام» (آل عمران آیه ۱۹). دین حقیقی و واقعی همانا اسلام و سر تسلیم در مقابل حکومت الله فرود آوردن است.
- ۳- سوره قصص- آیه ۸۸.

زنده نگهداشتن عاشورا مسئله بسیار مهم سیاسی عبادی است. و عزاداری کردن برای شهیدی که همه چیزش را در راه اسلام داد، یک مسئله‌ای است که در پیشبرد انقلاب اثر بسزا دارد.
می‌گویند: ملت گریه!! ما ملت گریه سیاسی هستیم. ما ملتی هستیم که با همین اشکها، سیل جریان می‌دهیم و خرد می‌کنیم سدهائی را که در مقابل اسلام ایستاده است... (۵۹/۸/۱۴)

امام خمینی (ره)